

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. داود عطایی، ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهشی حد محاربه با تأکید بر سیاست جنایی اسلام
۲۱	تأثیرپذیری اخلاقی انسان از عوامل اخلاقی و رفتاری از دیدگاه قرآن و روایات
۴۱	علویون سوریه، مذهب منحرف یا شیعیان صوفی مسلک
۵۵	فاعلیت الهی در اندیشه امام خمینی
۸۳	فاطمه زهرا سلام الله علیها بهترین الگو برای سبک زندگی
۱۰۵	تعارض بیش از دو دلیل در صورت بروز تخصیص اکثر در لفظ عام از منظر امام خمینی و آقا ضیاء عراقی
۱۲۵	نقش سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام در مشروعیت زدایی خلافت بنی عباس
۱۴۷	اعراض از کرامت انسانی در اندیشه اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر
۱۷۳	مهلت پرداخت دیه قتل از دیدگاه فقه امامیه
۱۹۱	مقایسه و بررسی اشتراط بلوغ در عقد از نظر مقدس اردبیلی و محقق خویی



فصلنامه علم
سال چهارم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۱۳

قرآن پژوهشی حد محاربه با تأکید بر سیاست جنایی اسلام

سید محمد حسینی دره صوفی^۱

چکیده

زمینه و هدف: محاربه یکی از خطرناکترین جرایم است که امنیت فردی و اجتماعی را به چالش جدی می‌کشد. سیاست جنایی اسلام برای مهار آن مجازات سختی را در نظر گرفته است تا بتوان محاربین را سرکوب نمود. حد محاربه برای جلوگیری از تکرار آن جنبه عبرت آموزی دارد. هدف از این پژوهش بیان دیدگاه سیاست جنایی اسلام در مورد حد محاربه و تبیین عناصر و قیود تعریف این حد است

روش: این پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است و ابزار گردآوری آن پژوهش‌های اسنادی در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: محاربه از جرایم مقید به نتیجه است؛ اجرای آن جهت تأمین امنیت جامعه نقش موثری دارد؛ مجازات اشد حد محاربه در مهار مجرمین اصلاح ناپذیر اجرا می‌شود و در تحقق محاربه، عدد خاصی ملاک نیست. در نتیجه محاربه به عنوانی یکی از ابزارهای سیاست جنایی اسلام که با پیروی از قرآن اتخاذ شده است، نقش مهم در کنترل و مهار جرایم و مجرمان سازمان یافته دارد.

کلید واژه: حد محاربه، سیاست جنایی، محاربه در قرآن، محارب، عناصر

محاربه

۱. دانش پژوه دکتری فقه و حقوق قضایی گرایش جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه،

۱. مقدمه

اهمیت وضع و اجرای حدود در سیاست جنایی اسلام از آن جهت است که هم جنبه پیشگیری دارد و ترس از مجازات در بسیاری از موارد مانع ارتکاب جرم می‌شود و نسبت به جرم ارتکاب یافته نیز جنبه سرکوبگرانه دارد و مانع ارتکاب جرم مجدد توسط مجرم می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۴). وضع و اجرای حدود، مطابق با سیره عقلانیه است که در تمام قرون و اعصار حتی در جوامع بدوی نیز وجود داشته است و اسلام نیز در سیاست جنایی خود بر آن تأکید ورزیده است. در میان حدود تعریف شده الهی، حد محاربه یکی از شدیدترین آن‌هاست. شدت این حد به خاطر خطرناک بودن آن و پیامدهای مخربی است که در جامعه از خود به جا می‌گزارد.

بحث امنیت در قرآن کریم به حدی اهمیت دارد که شرط اساسی اسلام را ایمان می‌داند. امنیت یعنی اطمینان و اعتماد به قدرتی که انسان را از خطرات نگه می‌دارد و آن قدرت همان خداوند است. انسان با ایمان به خدا باور دارد و خداوند برای او به لحاظ روحی امنیت می‌آورد. ایمان به خدا باعث می‌شود مؤمن از هیچ چیزی هراسی نداشته باشد؛ چون قدرت بزرگی مثل خداوند را نگهبان خود می‌داند.

قرآن کریم ارتباط بین امنیت و آرامش را به صراحت بیان می‌دارد:
الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آن‌ها (مؤمنان) کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! (سوره رعد، آیه ۲۸).

با ایمان، انسان به امنیت می‌رسد، امنیت همان آرامش روحی و جسمی است که سیاست جنایی اسلام، تنها بخشی از این امنیت گسترده و فراگیر را تأمین می‌کند. امنیت از اولین نیازها و حقوق انسانی محسوب می‌گردد که بدون آن نمی‌توان به نیازهای جسمی و روحی و سایر حقوق اساسی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدنی دست یافت. ناامنی باعث می‌شود که مصالح پنجگانه حفظ دین، حفظ مال، حفظ نسل، حفظ عقل و حفظ جان، دچار اختلال شود.

قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع و حیانی و منشأ سیاست جنایی در اسلام، راهکارهای متعددی برای امنیت و برخورد با ناقضین امنیت به کار بسته است. یکی از این راهکارها، اجرایی حد محاربه است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. حد در لغت

حد در لغت به معنای «مانع بین دو چیز» و «منع» است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۲). «حدود، جمع حدّ، در لغت به معنای منع است و حدّ شرعی، برگرفته از همین معناست؛ چون حد، وسیله‌ای است برای بازداشتن مردم از انجام گناه، به سبب ترس از اجرای حدّ. از نظر شرعی، حدّ، مجازات بدنی خاصی است برای معصیتی که مکلف مرتکب شده و شارع مقدار آن را با خصوصیاتش معین کرده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۳۲۵).

۲-۲. حد در اصطلاح فقه

فقها در تعریف حد فرموده‌اند: «کلّ ما له عقوبة مقدّرة، یسمی حدّاً»؛ هر جنایتی که برای او در شرع مجازات معین در نظر گرفته شده باشد حد است (حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۳۶).

۳-۲. تعریف محاربه

محاربه از حرب گرفته شده و مصدر باب مفاعله است. حرب در لغت به معنای سلب و جنگیدن و نزاع است. محاربه یعنی مقاتله و جنگیدن و نزاع کردن. کسی که مورد حرب قرار گرفت یعنی غارت شد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۸). لغت شناسی دیگری آورده است که: «حرب یعنی تیراندازی، پرتاب نیزه، شمشیرزنی و کشتی گرفتن است که به هنگام نزاع، میان طرفین صورت می‌گیرد.» (زبیدی، ۱۲۰۵، ج ۱، ص ۲۰۵) بنابراین محاربه، یعنی جنگ و درگیری میان طرفین. به لحاظ فقهی محارب عبارت است از هر کسی که سلاح بکشد یا حمل سلاح کند برای ترساندن مردم، ولو اینکه فقط یک نفر را ترساند به گونه‌ای که محارب اراده

فساد در زمین داشته باشد و افساد فی الارض با رفتار او صدق کند و تحقق یابد. فرقی نمی‌کند که محاربه در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر شهر (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۵۶۴).

در حقوق محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال، یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها به نحوی که موجب نا امنی محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود (قانون مجازات اسلامی، م ۲۷۹).

درهریک از تعاریف لغوی، فقهی و حقوقی عنصر مشترکی وجود دارد و آن سلاح است و سلاح پنج حالت دارد:

۱. داشتن سلاح.
 ۲. حمل سلاح
 ۳. آماده کردن سلاح برای استفاده کردن
 ۴. کشیدن سلاح. مثل بیرون آوردن از غلاف یا جیب یا نشانه رفتن به سمت هدف
 ۵. استفاده از سلاح که همان شلیک کردن است.
- در این جا ملاک فقط کشیدن سلاح است ولو شلیک نکند و سلاح یعنی چیزی که در جنگ از آن استفاده می‌شود و اعم از سنگ و چوب و عصا و سلاح گرم و سلاح سرد است.
- به نظر می‌رسد که محاربه با هر رفتار خشونت آمیزی که باعث رعب و وحشت و سلب امنیت شود محقق می‌شود و استفاده از سلاح خاصی ملاک نیست. مستندات قرآنی آن نیز که در ادامه بررسی شده است، این نظریه را تایید می‌کند و به نوعی خاصی از سلاح اشاره ندارد.

۱. المحارب كل من جرد السلاح أو حمله لإخافة الناس ولو واحد لواحد علی وجه یتحقق به صدق إرادة الفساد فی الأرض فی بر أو بحر لیلا أو نهارا فی مصر وغیره

۲-۴. قیود مهم تعریف فقهی

در تعریف فقهی چندین نکته حایز اهمیت است:

۱. کشیدن سلاح

طبق این تعبیر، صرف به همراه داشتن سلاح در تحقق محاربه کافی نیست. محاربه زمانی محقق می‌شود که محارب سلاح را بکشد مثل دست به اسلحه بردن یا برهنه کردن ابزار قتل چون شمشیر و چاقو و...

۲. زمان:

در تحقق محاربه نقشی برای زمان قائل نشده است. محاربه در هر زمانی می‌تواند انجام شود

۳. مکان:

تحقق محاربه منوط به مکان خاصی نیست. فرقی نمی‌کند که در زمین باشد یا در هوا یا در دریا، در شهر باشد یا در بیابان

۴. لاخافة الناس:

قصد ترس و رعب و وحشت در بین مردم را داشته باشد. هدف و انگیزه کشیدن سلاح، قصد ترساندن مردم باشد و الا کشیدن سلاح به تنهایی و بدون قصد ترساندن، در تحقق محاربه کافی نیست.

۵. الناس:

عمل محاربه باید در مقابل مردم انجام شود. در نتیجه کسی که در خانه یا در بیابان سلاح بکشد و کسی او را نبیند، محاربه محسوب نمی‌شود

۶. ترساندن غیر مشروع:

هر ترساندنی حرام نیست بلکه در صورتی محاربه محقق می‌شود که ترساندن نامشروع باشد. یعنی افرادی که ترساندنشان حرام است، مورد محاربه قرار گیرد؛ پس ترساندن افراد مهدورالدم با کشیدن سلاح، محاربه محسوب نمی‌گردد (و معقد الإجماع تحققة باخافة كل من يحرم علیه إخافته من الناس من غیر فرق بین المسلم وغیره وفی بلاد الإسلام وغیرها)

۷. شرط نبودن عدد خاصی:

محاربه با ترساندن فقط یک نفر نیز محقق می‌شود (ولو واحد لواحد). پس در تحقق محاربه شرط نیست که حتما افرادی زیادی مورد هجوم و حمله محارب قرار گیرد.

۸. عدم اشتراط جنسیت در محاربه:

از تعبیر «کل من جرد السلاح»، چنین استفاده می‌شود که در محاربه جنسیت شرط نیست. همانگونه که ممکن است محاربه توسط مردان اتفاق بیفتد، با رفتار زنان نیز محاربه تحقق می‌یابد.

از میان قیود ذکر شده در تعریف، دو قید اصلی و اساسی وجود دارد:

الف) قصد ترساندن

ب) کشیدن سلاح

در صورت نبودن هریک از این دو قید، محاربه محقق نمی‌شود. کسی که بدون

قصد ترساندن مردم سلاح بکشد محاربه نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۵).

کسی که قصد ترساندن مردم را داشته باشد اما سلاحی کشیده نشود بازهم محاربه تحقق نیافته است.

۳. عناصر حد محاربه

از تعریف فقهی محابه و نظر مشهور فقهای امامیه اینگونه برداشت می‌شود که در تحقق محاربه و بالتبع اجرا شدن حد محاربه بر محارب، صرف اینکه محارب قصد خوف و ترساندن (عنصر معنوی) مردم را داشته باشد کافی است و نیازی به وقوع نتیجه مثل ارتکاب قتل، سرقت و... نیست (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۵۶۷).

اما برخی دیگر از فقهای معتقدند که در محاربه از جرایم مقید به نتیجه است یعنی در محاربه تحقق نتیجه شرط است. اگر شخصی به قصد ترساندن مردم سلاح بکشد، اما شرایط به نحوی باشد که کسی از کار او نترسد مثل اینکه شخص ضعیفی چنین کاری بکند و مردم یقین کنند که جرأت کشیدن ماشه را ندارد یا بدانند قدرت زدن ندارد، در این صورت به صرف کشیدن سلاح و قصد ترساندن، محاربه محقق نمی‌شود (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۹۲).

به نظر می‌رسد به صرف قصد ترساندن، محاربه محقق نمی‌شود و اجرای حد محاربه به صرف قصد ترساندن، نوعی ظلم و خلاف اصول مسلم اسلامی است. خیلی‌ها قصد ترساندن مردم را دارند اما در عمل کاری از آنان صادر نمی‌شود و از آنجا که قصد یک امر درونی است؛ تا زمانی که جلوه خارجی نیافته است، نمیتوان برای قصد جنایت، مجازات تعیین کرد.

اصولی چون تناسب جرم با مجازات خلاف این نظریه است و اجرای حد محارب به صرف داشتن قصد ترساندن، با مسلمات اسلامی چون مجازات قبل از ارتکاب جرم نمی‌سازد و سیره اهل بیت من جمله رفتار حضرت علی با ابن ملجم مرادی، چنین نظریه را نمی‌پذیرد. در نتیجه برای تحقق محاربه و اجرای حد محاربه، باید نتیجه آن که ترساندن است محقق شود یعنی از رفتار محارب در بین مردم ترس و رعب و وحشت ایجاد شود و امنیت فردی و اجتماعی به مخاطره افتد تا بتوان گفت حالا معنای محاربه محقق شده است و جرم محاربه قابلیت اجرا دارد.

۴. منشأ قرآنی حد محاربه

همانگونه که بیان شد، سیاست جنایی اسلام در تأمین امنیت، سنگ تمام گذاشته و هرگونه نا امنی را با روشهای متناسب با آن جواب می‌دهد. از آنجا که محاربه و وحشتناکترین شکل ممکن برای نا امنی است؛ سیاست جنایی اسلام هم متناسب با آن، سخت ترین نوع مجازاتها را برای محاربه در نظر گرفته است. قرآن کریم ضمن بیان محاربه، به انواع مجازات آن پرداخته است:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مانده، ۳۳)

جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می‌کنند و در زمین به فساد می‌کوشند، آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند. این‌ها رسواییشان در این جهان است و در آخرت نیز به عذابی بزرگ گرفتار آیند.

۱-۴. شأن نزول آیه

عده از بنی ضبه آمدند خدمت پیامبر خدا و مریض شده بودند. حضرت فرمود در نزد من بمانید و زمانی که خوب شدید شما را به جنگ می فرستم. پیامبران دستور داد آن‌ها را در مکان خوش آب و هوا که شتران بیت المال نگهداری می شد، ببرند و از شیر شتران بخورند تا خوب شوند. وقتی خوب شدند شتربانان را کشتند و شتران را بردند. پیامبر خدا (ص)، حضرت علی (ع) را فرستاد تا آنان را دستگیر کند. بعد از دستگیری مجرمان را به حضور پیامبر آورد که این آیه نازل شد و مجازات آنان را مشخص کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۳۰).

۲-۴. تحلیل واژگان و عبارات به کار رفته در آیه

۱. یَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ:

بدون شک کسی قدرت جنگیدن با خدا را ندارد و در عصر حاضر، پیامبر هم وفات کرده و جنگ با پیامبر هم بی معناست؛ پس مراد از جنگ با خدا و رسول خدا، جنگیدن با نظامی است که خدا و پیامبر به وجود آورده است. جنگیدن با اولیایی خدا منظور آیه است که مراد مسلمانان است. پس جنگ با مسلمان، جنگ با خدا و رسول خداست (کاظمی، همان، ۲۰۹).

جنگ با خدا و پیامبر همان جنگ با نظام اسلامی و ایجاد نا امنی در آن است. نا امنی در جامعه می تواند براندازی نظام اسلامی باشد یا ایجاد اختلال در برنامه های آن از طریق قتل و کشتار مردم و برهم زدن نظم جامعه با وارد کردن خسارت های اقتصادی، نظامی، امنیتی، تجاری، فرهنگی و....

۲. وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا:

در اینکه عنوان محاربه با عنوان افساد فی الارض دو عنوان مستقل و هر کدام جرم مستقلی است یا اینکه افساد فی الارض، توضیح و تبیین محاربه است، بین فقها و مفسران اختلاف نظر است.

جمعی از دانشمندان مکتب اهل بیت، معتقدند که افساد فی الارض، عنوان و جرم مستقلی نیست؛ بلکه در تأیید و تأکید جرم محاربه است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص

۱۸۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۵۹).

دلیل این نظریه این است که در آیه شریفه فقط یک بار واژه «الذین» بیان شده است و جمله «یسعون» بواسطه کلمه «واو» به «یحاربون» عطف شده است و هردو صله موصول «الذین» هستند. این دلالت دارد بر اینکه هردو یک عنوان هستند و به همدیگر مربوط اند.

نظریه دیگر، این دو عنوان را مستقل پنداشته اند و هرکدام را جرم جداگانه محسوب نموده است (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۳۸).

دلیل این نظریه از ضمیمه آیه ۳۲ همین سوره به آیه محاربه تشکیل شده است. این نظریه معتقد است که در آیه ۳۲ سوره مائده که می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»، قتل نفس و افساد فی الارض هرکدام جرم مستقل است؛ چون با او به همدیگر عطف شده است و او عاطفه دلالت بر مغایرت معطوف و معطوف علیه دارد و در این جا هم که افساد فی الارض بعد از محاربه آمده خود جرم مستقلی است.

به هرصورت چه محاربه و افساد فی الارض را دو جرم مستقل بدانیم یا اینکه هردو را دو عنوان برای یک جرم محسوب کنیم، یا افساد فی الارض را توضیح و تاکید بر محاربه قلمداد نماییم، مجازات همه مشخص است که در فراز بعدی بیان شده است.

به نظر می رسد محاربه نوعی افساد فی الارض و مصداق کامل و اعلاى آن است و هردو یک جرم است؛ چون محاربه و افساد فی الارض را در صورتی می توانیم دو عنوان مستقل و دو جرم مستقل بدانیم که وجه تمایزی بین آنان وجود داشته باشد و پیامدهای هریک و یا مجازات هریک، متفاوت از دیگری باشد در حالیکه اینگونه نیست. پیامدهای محاربه همان افساد فی الارض است و مجازات هردو نیز یکی است که در فراز بعدی بیان شده است.

۳. أَنْ يَمْتَلُوا أَوْ يَصَلُّوا أَوْ يَنْقُطَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يَنْفُوا مِنَ الْأَرْضِ:

خداوند برای چنین اشخاصی که نظم و امنیت جامعه اسلامی را برهم می زنند، چه تحت عنوان محاربه باشد یا تحت عنوان افساد فی الارض، مجازات سختی در

نظر گرفته است.

۵. اقسام مجازات محارب

در این فراز، چهار مجازات برای محارب و مفسد فی الارض بیان شده است:

(الف) أَنْ يَمْتَلُوا:

اولین مجازات در نظر گرفته شده برای محارب قتل است. محارب به خاطر جنایتی که انجام داده کشته می‌شود. مراد از قتل در این جا، نوع سریع از گرفتن جان محارب است مثل گردن زدن باشمشیر با تیربار کردن.

(ب) أَوْ يَصَلُّوا:

دومین نوع مجازات محارب، به صلیب کشیدن اوست. یعنی دست‌ها و پاهایش را به چوب بلندی به صورت عمودی می‌بندند تا از تشنگی و گرسنگی بمیرد. مدت زمان به صلیب ماندن سه روز است و بعد از سه روز پایین کشیده شده و دفن می‌شود. این نوع از مجازات و کیفیت آن در روایات تبیین شده است (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۱۹).

(ج) أَوْ تَقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ:

سومین نوع مجازات که شدیدترین آن است، قطع کردن دست و پای محارب خلاف جهت هم است مثل بریدن دست راست و پای چپ یا برعکس و رهاکردن در این حالت تا از شدت خونریزی و عفونت و درد بمیرد (نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۵۷۳).

(د) أَوْ يَنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ:

چهارمین نوع مجازات محارب تبعید است. برخی قائل شده‌اند که مراد از «ینفوا»، نفی بلد نیست بلکه زندانی کردن محارب است؛ چون در صورت زندانی شدن نیز اثر نفی بلد به دست می‌آید؛ اما برخی دیگر با رد این نظریه باور دارند که مراد از «ینفوا»، نفی بلد و تبعید است نفی از ارض یعنی محارب را از شهری که مرتکب جرم محاربه شده است به شهری دیگری که محل سکونت او نباشد، تبعید کند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۰۵). به نظر می‌رسد این مجازات‌ها تابع نوع محاربه‌ای است که انجام شده است. اگر محاربه شدید باشد مجازات اشد برای او در نظر گرفته

می‌شود اما اگر محاربه خفیف باشد، خفیفترین مجازات مد نظر است.

۶. نحوه انتخاب نوع مجازات

انتخاب نوع مجازات به عهده حاکم شرع گذاشته شده است تا در صورت تحقق جرم محاربه برای مجازات محارب هرکدام را که مناسب دید اعمال کند. به نظر می‌رسد قرآن کریم به جهت نوع و شدت محاربه، برای هریک از مصادیق محاربه، مجازات متناسب با آن را در نظر گرفته است. اگر محارب، مرتکب قتل شود یعنی کسی را به رگبار ببندند یا با شمشیر گردن بزنند، خودش به همان شیوه مجازات می‌شود. اگر کسی را زجر کش کند مثل اینکه شخص بیگناهی را به صلیب بکشد، محارب نیز به همان روش کشته می‌شود. اگر محارب، ضمن جنایت محاربه، دست به سرقت اموال مردم بزند، دست و پایش قطع می‌شود. درجه خفیفتری از این مجازات برای سارق نیز وجود دارد. اگر با رفتار او صرفاً رعب و وحشت ایجاد شده باشد و مرتکب جنایت بر نفس یا مال دیگران نشده باشد و صرفاً جنایت علیه امنیت باشد، مجازات مناسب او، تبعید است.

۷. فرق محارب با قاتل

فرق محارب با قاتل این است که قاتل شخص خاص را در نظر گرفته و به صورت مخفیانه یا آشکارا، همان را نابود می‌کند. در سارق و زانی نیز همینگونه است؛ اما محارب شخص خاصی مد نظرش نیست هرکسی را که دست یابد مورد تهاجم قرار می‌دهد. در آیه محاربه کلمه «فی الارض»، عمومیت دارد یعنی «افق در افق» قلمرو محارب است پس محارب با شخص خاصی درگیر نیست «یسعون فی الارض فسادا» به فرد خاصی اشاره ندارد.

۸. نتیجه

- با بررسی موضوع دستاوردهای این پژوهش به شکل ذیل حاصل شد
۱. سیاست جنایی اسلام حد محاربه را به عنوان یکی از ابزارهای سرکوبگرانه خود برای جانیان اصلاح ناپذیر در نظر گرفته است تا به کمک آن امنیت اجتماعی را برقرار سازد
 ۲. برای محاربه در قرآن کریم چهار نوع مجازات در نظر گرفته شده است که این مجازات‌ها به تبع شدت وضعف جرم محاربه بر محارب تطبیق می‌گردد
 ۳. محاربه از جرایم مقید به نتیجه است. صرف قصد ترساندن برای تحقق او کافی نیست بلکه نتیجه که همان ایجاد رعب و وحشت و ترس در جامعه است باید محقق شده باشد.

۹. فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد، ۱۳۹۹، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر
۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ه. ق)، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة الاولى.
۳. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۴. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، تهران: استقلال
۵. حلی، ابن ادریس، ۱۴۱۰ قمری، سرائر لتحریر الفتاوی، مؤسسه فقه شیعه، چاپ اول.
۶. خمینی، سید روح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله، نجف، مطبعة الآداب
۷. زبیدی، محمّد مرتضی، ۱۲۰۵، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبة الحیاءة.

۸. شهيد ثانی، ۱۴۱۶ ق، مسالك الافهام، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم.
۹. طباطبائی، سيد محمد حسين؛ ۱۴۱۷ ق، الميزان في تفسير القرآن؛ قم: جامعه مدرسين.
۱۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۳۶۵، تفسير التبيان، دارالحياة التراث العربي، بيروت
۱۱. کاظمی، فاضل مصحح: بهبودی، محمدباقر؛ محشی: شريف زاده، محمدباقر؛ وكشفي، محمدتقي. (۱۳۶۵). مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام (ج ۱-۴). تهران - ايران: مكتبة المرتضوية.
۱۲. قانون مجازات اسلامي
۱۳. مكارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، تفسير نمونه، تهران، انتشارات اسلاميه.
۱۴. موسوی اردبیلی، عبد الكريم. (۱۴۲۷). فقه الحدود و التعزيرات (ج ۱-۴). قم ايران: جامعة المفيد. مؤسسة النشر.
۱۵. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۲، جواهر، قم، نشر اسلامي

